



چهار هدف پاسخ امام از نگاه شهید مطهری

به گزارش خبرنگار تاریخ خبرگزاری فارس، کتاب «پاره‌ای از خورشید» که به گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری پرداخته است. در این کتاب به خاطرات آیت‌الله مرتضی مطهری درباره امام پرداخته است که در ذیل می‌آید:

آیت الله مطهری در بازگشت از سفر فرانسه و دیدار با امام در پاسخ به دوستانش که از او پرسیدند چه دیدی؟ گفت: چهار «آمن» در امام دیدم.

-

به گزارش خبرنگار تاریخ **خبرگزاری فارس**، کتاب «پاره‌ای از خورشید» که به گفته‌ها و ناگفته‌ها از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری پرداخته است. در این کتاب به خاطرات آیت‌الله مرتضی مطهری درباره امام پرداخته است که در ذیل می‌آید: ***شاگردی در محضر حضرت امامپس** از مهاجرت به قم، گمشده خود را شخصیتی دیگر یافتیم. فکر کردم که روح تشنه‌ام از سرچشمه زلال این شخصیت سیراب خواهد شد. اگر چه در آغاز مهاجرت به قم، هنوز از مقدمات فارغ نشد بوم و شایستگی ورود به معقولات را نداشتم! درس اخلاقی که به وسیله شخصیت محبوبم در هر پنجشنبه و جمعه گفته می‌شد و در حقیقت درس معارف و سیر و سلوک بود، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سرمست می‌کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای، این درس مرا آنچنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه‌شنبه هفته بعد، خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم. بخش مهمی از شخصیت من در آن درس و سپس در درس‌های دیگری که در طی دوازده سال از استاد فرا گرفتم، انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم. راستی که او «روح قدس الهی» بود... ***صفات امام از منظر آیت‌الله مطهری** اما آن «سفرکرده» که صدها قافله دل همراه اوست، نام او، شنیدن سخنان او، روح گرم و پرخروش او، اراده و عزم آهنین او، استقامت او، روشن بینی او، ایمان جوشان او که زبانزد خاص و عام است، یعنی جان جانان، قهرمان قهرمانان، نورچشم و عزیز روح ملت ایران، استاد عالیقدر و بزرگوار ما حشرت آیت‌الله العظمی خمینی- ادام الله ظله- حسنه‌ای است که خداوند به قرن ما و روزگار عنایت فرموده و مصداق بارز و روشن «ان لله فی کل خلف عدولا ینفون عنه تحریف المبطلین» (به راستی خدای را در هر عصری بزرگمردانی عادل است که تحریفهای اهل باطل را از دین او برمی‌دارد) است. قلم بی‌تابی می‌کند که به پاس دوازده سال فیض‌گیری از محضر آن استاد بزرگوار و به شکرانه بهره‌های روحی و معنوی که از برکت نزدیک بودن به آن منبع فضیلت مکرمت کسب کرده‌ام، اندکی از بسیار را بازگو کنم. من که قریب دوازده سال در خدمت این مرد بزرگ تحصیل کرده‌ام، باز وقتی که در سفر اخیر به پاریس به ملاقات و زیارت ایشان رفتم، چیزهایی از روحیه او درک کردم که نه فقط بر حیرت من، بلکه بر ایمانم نیز اضافه کرد. وقتی برگشتم، دوستانم گفتند: «چه دیدی؟». گفتم چهارتا «آمن» دیدیم. **آمن به هدف-** به هدفش ایمان دارد. دنیا اگر جمع بشود، نمی‌تواند او را از هدفش منصرف کند. **آمن بسبیل-** به راهی که انتخاب کرده، ایمان دارد. امکان ندارد بتوان او را از این راه منصرف کرد. شبیه همان ایمانی که پیغمبر به هدفش و به راهش داشت. **آمن بقوله-** در میان همه رفقا و دوستانی که سراغ دارم، احدی مثل ایشان به روحیه مردم ایران ایمان ندارد. به ایشان نصیحت می‌کنند که: «آقا! کمی یواشتر. مردم دارند سرد می‌شوند، مردم دارند از پای در می‌آیند.» می‌گوید: «نه مردم این جور نیستند که شما می‌گویید. من مردم را بهتر می‌شناسم.» و ما می‌بینیم که روز به روز صحت سخن ایشان بهتر آشکار می‌شود. و بالاخره، بالاتر از همه؛ **آمن بربه-** در یک جلسه خصوصی، ایشان به من گفت: «فلانی! این ما نیستیم که چنین می‌کنیم. من دست خدا را به وضوح حس می‌کنم.» آدمی که دست خدا و عنایت خدا را حس می‌کند و در راه خدا قدم برمی‌دارد، خدا هم به مصداق (ان تنصروا الله ینصرکم) بر نصرت او اضافه می‌کند. بی‌شک از جان گذشتگی و مبارزه خستگی ناپذیر با ظلم و ظالم و دفاع سرسختانه از مظلوم و صداقت و صراحت و سازش‌ناپذیری این رهبر، در انتخاب او به مقام رهبری نقش داشته است. اما مطلب اساسی چیز دیگری است و آن این که ندای امام خمینی از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح این ملت برمی‌خاست. مردمی که در طول چهارده قرن، حماسه محمد، علی، زهرا، حسنین، سلمان، ابوذر... و صدها هزار زن و مرد دیگر را شنیده بودند و این حماسه‌ها با روحشان عجین شده بود، بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد شنیدند. علی را و حسین را در چهره او دیدند. او را آیین تمام نمای فرهنگ خود که تحقیر شده بود، تشخیص دادند. ***امام چه کرد؟** او به مردم ما شخصیت داد. خود واقعی و هویت اسلامی آنها را به آنان بازگرداند. آنها را از حالت «خودباختگی» و ... خارج کرد.